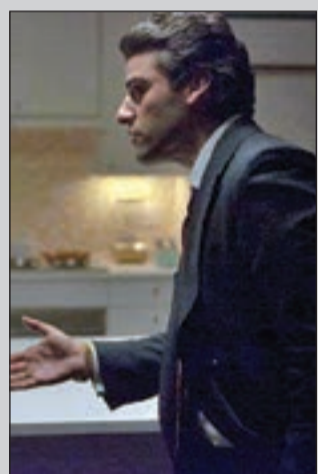


تا وقتی به جایی که می روی نرسیدی
به پشت سر نگاه نکن.

هاروکی موراکامی / کافکا در کرانه



وقتی که پدیدن ترسناکه
دقیقا همون موقع است که باید برید
در غیر این صورت تمام عمرت رو در جاذبی.

یک سال بسیار خوش / جی. سی. چاندور

کابینه به شرط چاقو

مهدی محمدی - بررسی صلاحیت اعضای کابینه از سه شبیه شروع می شود. به نظر ما که مجلس باید بدون صحبت مخالفان و موافقان وزیر پیشنهادی به آن ها رأی بدهد تا وقت بیشتری برای مجلسیان، به منظور سلفی گرفتن باقی بماند. مجلس باید برای هر وزیری شرطی بگذارد و اگر وزیر قبول کرده او رأی اعتماد بدهند.

امور خارجه: ایشان زحمت بکشند به هر کشوری خواستند بروند، یک تعارف هم به مردم ایران بزنند و ماهفتاد میلیون راهم با خودشان ببرند. دلمان پوسید برای مسافرت!

وزرش و جوانان: وزیر را موظف کنند که به مدیرعامل باشگاه پرسپولیس بگوید که به برانکو بگوید که او به مهدی طارمی بگوید: «جان ما پالتی زن!»
وزارت نیرو: به شرطی که داروهای نیروزایی که توی باشگاه بدنسازی فروخته می شود، ارزان تر شود.
وزارت کار: چون واقع گرا هستیم، از اول هم از این وزارتخانه توقع اشتغال زایی نداشتیم، الان هم نداریم. راحت باشند.

وزارت دفاع: از سید جلال حسینی به عنوان معاون وزارت استفاده شود. هر چه باشد دو سال است که خیلی منصفانه به عنوان بهترین مدافع لیگ انتخاب می شود. اگر قبول نکرد می شود از گزینه های کم کیفیت تر از جلال، مانند جرارد پیکه بارسایی و سرخیوراموس زالی استفاده کرد.

وزارت اقتصاد: وزارت اقتصاد می خواهیم چه کار؟ الان افغانستان که به هیچ دریایی راه ندارد، نیروی دریایی هم ندارد. حالا ما که اقتصاد نداریم، چطوری است که وزارت اقتصاد داریم؟ با خودمان که رودریاستی نباید داشته باشیم.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی: حالا وارد دانشگاه شوند و ورود از مقطع متوسطه به دانشگاه راحت شده است، دانشگاه ها را بدهیم وزارت آموزش و پرورش، تا همه مقاطع از پیش دبستانی تا دکترا را ساپورت کند. رئیس جمهور هم لازم نیست در این خصوص وزیری معرفی کند.



زین کارت های بی مانده دل گرفت

بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی «سهم هر ایرانی بیش از پنج کارت بانکی است». به قول شاعر: «زین کارت های بی مانده دل گرفت / کارت کم و مانده زیادم آرزوست!»

کارت کم و مانده زیادم آرزوست!

شوند! در همین راستا پیشنهاد می شود سازمان سنجش از افراد زیر هم برای ورود به دانشگاه دعوت کند:

- تمام کسانی که پیش دانشگاهی نرفته یا حتی مدرک دیپلم نگرفته اند، اما قول مردانه می دهند که بعد از گرفتن لیسانس، دیپالش بپرند.
- تمام کسانی که سواد ندارند، ولی اشتباهاً به جای نهضت سوادآموزی، در کنکور ثبت نام کرده اند.
- تمام کسانی که از جلوی سازمان سنجش رده می شده اند یا از آب سرد کن آن استفاده کرده اند.
- تمام کسانی که در شبکه های اجتماعی، صفحه سازمان سنجش را لایک کرده اند!

ترکیه: رفتن یا نرفتن؟

همسایه خوب نعمت است. نمونه اش همسایگی ما با ترکیه است که حسابی خوش به حال شان می شود و وزارت گردشگر ترکیه آمار می دهد: «تعداد گردشگران ایرانی وارد شده به ترکیه در نیمه نخست سال ۲۰۱۷ از مرز یک میلیون گذشته است». یعنی این قدر که ترکیه می رویم، تا قالی سر محل نمی رویم! کارشناسان سرسره به دلایل زیر معتقدند سفر به ترکیه منطقی نیست:

- آنجا سر بچر خاند و هر کسی را ببینند، به احتمال زیاد ایرانی است! ما که خبر نداریم، ولی شنیده ایم حتی آن هایی که در سواحل آنتالیا... بله! آن ها هم ایرانی هستند. چه کاره خب؟ همین جا دور هم هستیم.
- اگر در بازارهای آنجا دنبال جنس ترک هستید، باز هم بی خود خودتان را توی زحمت انداخته اید، با تلاش کوله بران، لنج بران، کانیتیر بران و توجه ویژه ما مصرف کنندگان به تولیدات داخلی، این قدر که در بازار خودمان اجناس ترک هست، در خود ترکیه نیست!
- اما مهم ترین هدف سفر که همانا انتشار تصاویر در شبکه های اجتماعی و انتخاب عکس پروفایل به صورتی است که در افق های دور، اشخاصی دیده شوند که ظاهر خارجی داشته باشند. در این مورد هم اگر سری به سواحل شمال، به ویژه قسمت های نزدیک تر به پایتخت بزنید، می توانید قالی انتخاب بفرمایید که در خود خارج هم این قدر خارجی نباشد، والا!

شکستن کمر غول یا تخمه؟

هر چقدر دست تقدیر پس کله دهه شصتی ها می زد، فی الحال دست نوازشش را بر سر دهه هفتادی ها می کشد! نمونه اش هم همین شیوه جدید قبول شدن کنکور مدل ۱۳۹۶ است که سازمان سنجش اعلام کرده است: «تمامی کسانی که در کنکور ۹۶ ثبت نام کرده اما در جلسه آزمون حاضر نشده اند یا افرادی که نتوانستند در کنکور ثبت نام کنند! می توانند در رشته هایی که پذیرش در آن ها بر اساس سوابق تحصیلی صورت می گیرد، ثبت نام کنند». یعنی دهه شصتی ها باید پشت صندلی های لق کنکور کمر غول می شکستند، الان دهه هفتادی ها پشت پلی استیشن یا حتی در رختخواب می توانند تخمه بشکنند و وارد دانشگاه

تولید پراید از سال آینده متوقف می شود



وزیر اوکراینی خطاب به مردم: کمتر بخورید!

۱ چهار جوان ماجراجوی اهل چین به قصد گرفتن سلفی، جان خود را با لارفتن از

یک برج ۴۵ متری به خطر انداختند.

این جوانان ویدئوها و تصاویری که از این ماجراجویی منتشر کرده اند، آن ها را در حال صعود به برج «نانجینگ زینگک» نشان می دهد. این برج، ششمین برج بلند چین و چهاردهمین برج بلند در جهان به شمار می رود.

۲ عکس هایی از مراسم دامادی یکی از پسران علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در سایت های خبری منتشر شده است.

در این مراسم برخی نمایندگان مجلس و مقامات دولت از جمله رحمانی فضلی (وزیر کشور)، جغتالاسلام روحانی، سیدمصطفی محقق داماد، ناطق نوری، اسحاق جهانگیری و برخی دیگر از وزرا حضور داشتند.

۳ پس از اینکه در سینما و تلویزیون بزمان جمشیدی و علی انصاریان به موفقیت های خوبی دست یافتند، این بار فرهاد احمدزاده هافبک ریز نقش پرسپولیس در یک سریال کنار علی انصاریان ایفای نقش خواهد کرد.

۴ سربال محکومین به تهیه کنندگی بهروز مفید و کارگردانی سید جمال سیدحاتمی در حال ساخت است و در این فیلم بازیکن پرسپولیس نقش برادر علی انصاریان را دارد.

۵ سال های گذشته بازیکنانی مانند حمید استیلی، آرش برهانی و خلیلی دیگر از بازیکنان جلوی دوربین قرار گرفتند و در آخرین کار جدی نیز علی رضا نیکبخت واحدی و اشپیتیم آرفی در فیلم آوار ایفای نقش کردند.

۶ عکس هایی از اولین شهردار تهران در فضای مجازی منتشر شده است.

نخستین شهردار تهران میرزا عباس خان مهندس باشی ملقب به مشاورالدوله فرزند میرزا رضا فارغ التحصیل مدرسه نظامی فرانسه است که در سال ۱۳۰۲ قمری به ریاست احتساب شهر تهران انتخاب شد.

ناصرالدین شاه پس از سفر فرنگ، همانند شهرهای اروپایی اقدام به تعیین شهردار برای



خواب

هدیه سادات میرمر تقوی - شب بود و در خیابان های رضاشهر گم شده بودم. همان کوچه های بچگی. دیرم شده بود و باید به امتحانی می رسیدم که واریز حقوق هایمان به نمره اش بستگی داشت. داشت گریه ام می گرفت که سر و کله پیکانی سبز پیدا شد. عمو حسین بود. به همان جوانی بچگی هایمان، سوامم کرد و گرم صحبت شدیم. بعد، جلوی حوزه امتحانی پیاده شدم. سر جلسه ترکیبی از همکاری اداره و بچه های داستان نویس نشسته بودند. ناظر، رئیس اداره مسان بود. چشمم که به سوالات افتاد، برق از سرم پرید! سوالات ترکیبی از فرمول های مثلثات دبیرستان، قضایای آماری دانشگاه، عناصر داستان و خبرنویسی بود. نگاهم به صندلی کنارم افتاد. یکهو در باز شد و خانم مهناش دبیر مهربان راهنمایی ام وارد شد. وقتی فهمیدم او قرار است برگه هایمان را تصحیح کند، دلیم قرص شد. تازه می خواستم بروم سراغش و بگویم چقدر توی این سال ها می خواستم دوباره ببینمش که با صدای و بیبره میبایل، از جا پریدم. خواب دیده بودم. یک خواب امتحانی دیگر با ترکیبی از شخصیت های مختلف زندگی ام. درباره خواب، کتاب ها نوشته اند و تحقیق ها کرده اند ولی هنوز ناشناخته و لاینحل است. هنوز نمی دانیم وقتی سرمان را روی بالش می گذاریم، قرار است چه اتفاقاتی بیفتد. شاید شیرینی خواب به همین باشد که صحنه هایش قابل پیش بینی نیست و می توانی چند لحظه ای با عمویت که الان در بهشت جا دار، هم کلام شوی و وقتی بیدار شدی برایش فاتحه ای بخوانی یا برای دوست قدیمی ات که توی خواب داشت کمکت می کرد، پیامی بفرستی تا از آن سوی اقیانوس ها بخواند. به یاد روزهای خوب هشت سالگی.

سودوکو آسان (شماره ۵۴۴)

۷		۶							
		۱			۲	۸			
			۸	۷	۶		۳		
		۷		۳	۶		۵		۱
				۵		۳			
۴		۱		۵	۸		۲		
			۸	۷	۹				
			۱	۷		۴			
							۸		۵

سودوکو سخت (شماره ۵۴۴)

۲			۷						
		۵		۴		۱		۷	
		۹		۱		۶			
		۱		۷		۹		۶	
			۷	۹		۶		۵	
		۸							۹
				۵		۴			۳
							۵		۲
									۸
									۸

پاسخ سودوکو آسان (شماره ۵۴۴)

۹	۷	۳	۱	۸	۶	۲	۵	۴	۷
۱	۸	۵	۹	۴	۲	۷	۳	۶	۱
۲	۲	۶	۵	۳	۱	۷	۹	۸	۴
۳	۹	۷	۸	۲	۱	۵	۴	۶	۳
۵	۶	۴	۳	۲	۹	۷	۸	۱	۵
۶	۴	۹	۲	۵	۱	۸	۷	۳	۶
۷	۵	۱	۸	۹	۴	۳	۶	۲	۷

پاسخ سودوکو سخت (شماره ۵۴۴)

۵	۷	۲	۶	۴	۱	۹	۳	۸	۱
۴	۹	۳	۷	۸	۱	۲	۵	۶	۷
۸	۱	۶	۲	۳	۹	۴	۷	۵	۱
۹	۲	۸	۴	۳	۶	۵	۱	۷	۳
۷	۴	۱	۵	۹	۲	۸	۷	۳	۶
۱	۸	۴	۹	۷	۶	۵	۳	۲	۱
۳	۵	۷	۴	۲	۸	۱	۹	۶	۴
۲	۶	۹	۱	۳	۵	۷	۸	۴	۲